

خوابگاه الجایتو سلطان در سلطانیه

بقلم آقای میرزا مهدیخان بهرامی

شهر سلطانیه در سر راه زنجان در فاصله شش فرسخی آن قرار دارد و با آنهمه عظمت و جلال سابق که بقول حمدالله مستوفی قزوینی^(۱) پس از تبریز اول شهر ایران و از حیث وسعت و آبادی در تمامی مملکت نظیر نداشته امروز بیش از قریه بسیار مختصری نیست که ساکنین آن در اطراف گنبد سلطان محمد خدا بنده سکنی دارند و از خاطرات ایام شوکت و جلال این شهر در زمان مغول فقط همان گنبد شاه خدا بنده باقی مانده است و بس!

قریه مزبور در کنار جاده زنجان قرار داشته دروازه خراب آن نزدیک قهوه‌خانه الله اکبر واقع است از همین محل خرابه‌های شهر شروع میشود و قریب یک فرسخ جاده از وسط تل و تپه‌های قدیمی میگردد در بعضی نقاط تپه‌ها بصورت فلات وسیعی در آمده ولی غالباً مجزی و بدون اتصال از یکدیگر قرار دارند خاک آنها عموماً بسیار نرم و مخلوط با خرده کاشی و ظروف شکسته دوره مغول است و چون این ناحیه کمتر دستخوش حفريات جاهلان گزیده اثرات انبیه و علامات بنا به حدیکه دلیل تحقیقات علمی بشود بخوبی باقی مانده است

در بین تپه‌های مزبور از همه بزرگتر تپه‌ایست با ارتفاع ۲۰ متری که در خارج ده در وسط خرابه‌های اطراف در سمت شرق گنبد بمسافت یک کیلومتری از آن قرار دارد

(۱) حمد الله مستوفی از اهل قزوین و یکی از نویسندگان معتبر دوره مغول بوده که کتاب ظفرنامه را در بحر تقارب بطرز شاهنامه فردوسی (منوی ۷۵۰۰۰ بیت) مشتمل بر تاریخ ایران و عرب و مغول تا زمان مصنف (سنه ۷۳۵) در سن چهل سالگی تصنیف کرده است و هم چنین کتابی در تاریخ مختصر ایران با اسم تاریخ گزیده (در سنه ۷۳۰ هـ) و کتابی در جغرافیا و نجوم و طبیعیات موسوم به نزهت القلوب (در سنه ۷۴۵ هـ) تألیف نموده است

از سه کتاب فوق ظفر نامه خیالی نادر و تا کنون طبع نشده است

این تپه خرابه و بقایای حصار معتبری است که تمام آن از سنگ ساخته شده و در قدیم دارای عمارات عالی بوده است که امروز یکی خراب و در زیر خاک مسطور است

در قسمت فوقانی فقط سنگ های اطراف از زیر خاک بیرون آمده و اثری از دور بنای قلعه ظاهر ساخته اند. این سنگ ها در شش گوشه حصار بصورت سه قوس مدور یکی قدیمی و دو خلفی قرار گرفته و تا بنیان بنا همین صورت را داشته اند و بهمین مناسبت گوشه های حصار بسمت جلو متوجه شده ابواب حصار در بین آنها واقع بوده است

از وضع ساختمان و عمارت قلعه که امروز در زیر توده انبوهی از خاک مخفی گشته هیچ اطلاعی بدست نداریم و معلومات مطلوبه منوط بتحقیقات و حفاریات علمی آینده است. خرابه این حصار که در وسط تپه ها و در خارج ده سلطانیه قرار دارد و تا کنون هیچوجه مورد توجه و دقت نظر واقع نشده محل هیچگونه بحث و تحقیق قرار نگرفته است و بنظر میرسد که تماشای عظمت و جلال بنای گنبد سلطانیه مجلسی برای دیدن خرابه این قلعه بهسافرین نداده است

بعضی هم که دیده اند دیده را ندیده انگاشته و از ذکر آن در گذشته اند. مثلاً یکی از مسافرین اخیر اروپائی اژن او بن Eugene Aubin در کتاب *La Perse d'aujourd'hui* در جائیکه توصیف خیمه فتحعلی شاه را در سلطانیه و تعیین محل آنرا میکند بدرختان بید و تبریزی زیادیکه در جوار این حصار قرار دارند توجه کرده است ولی هیچ نظری به تپه عظیم خرابه این حصار نکرده بشرح قسمت های مقابل که در قدیم جایگاه فتحعلی شاه بوده می پردازد

درختهائیکه اژن او بن ذکر میکند صورت جنگل مختصری دارد که سابقاً خیلی بیشتر بوده و امروزه بیخ و بن آنها در روی زمین باقی مانده است. این درختان اغلب تبریزی های بلند و پیدهای وحشی است که در کنار خرابه ها در میان بیابان سلطانیه پناهگاهی برای پرندگان اطراف است باری دیگران باندازه اژن او بن هم توجه نکرده و آنچه از نوشتهجات ایشان بنظر من رسیده هیچکدام عطف نظری باین حصار ننموده و ابداً

اسمی از آن نبرده اند. بلکه بالصراحه باید گفت که دقت نظر و بحث در این موضوع کاملاً تازگی داشته و از مطالعات شخصی بنده است. خرابه این حصار در بین اهالی معروف به « خوابگاه نادر » است مفهوم جمله خوابگاه نادر خیلی سهل و بخوبی استنباط میشود که خرابه مزبور در قدیم خوابگاه نادر بوده است. ولی این سخن نزد ارباب اطلاع تاریخ بهیچوجه مقبول نیست چه بر آنها کاملاً معلوم است که نادر شاه افشار ابدآبناهی در شهر سلطانیه برای خوابگاه خود نساخته است.

بعلاوه از نظر ارکولژی اگر جزئی دقتی در وضع بنای حصار شود بخوبی معلوم میگردد که این بنا از ابنیه دوره نادر و قرون یازدهم و دوازدهم هجری نیست بلکه طرز ساختمان سنگ های بزرگ يك پارچه و وضع بنای آن ابنیه اعصار خیلی قبل از دوره نادر را بخاطر میاورد گذشته ازین قلعه ای که تمام از سنگ بنا شده در مدت قلیل بعد از نادر که بیش از دو قرن نیست چنین خراب نشده و باین حالت نخواهد افتاد. مطلب دیگر که تا اندازه ای قابل توجه است وجود مقابری است که در نزدیکی حصار قرار دارد. شرح این مقابر را عنقریب بیان خواهیم کرد اما اکنون نظر کنیم که این مقابر عموماً دارای تاریخی در حدود هفتاد و هشتاد که سلطنت نادر شاه افشار در قرن دوازدهم هجری است یعنی نادر شاه عمارت خوابگاه خود را بعد از احداث این مقابر و در جوار آنها بنا کرده باشد! و حقیقه میتوان قبول کرد که نادر شاه افشار بنای عمارت خوابگاه خود را در میان مقابر دیگران قرار دهد؟ پس مفهوم جمله « خوابگاه نادر » معلوم نشد و عبارت محتاج بدقت زیادتری است. از عبارت فوق بخوبی معلوم میشود که لفظ خوابگاه جزء مسلم و جزء دیگر عبارت مورد تردید است یعنی این عمارت در قدیم عنوان خوابگاه داشته است بمرور زمان اسم بانی آن فراموش شده است و بنای آنرا بنادر شاه که یکی از شیر مردان جدید و ذکر جهانگشائی و فتوحات او در دهن ها سائر است نسبت داده اند و چنانکه اغلب اتفاقات زمانهای مختلف را در روایت غلط کرده اند این خوابگاه را هم با اسم نادر شاه می خوانند در صورتی که بانی حقیقی آن بمقیده مال الجایتو سلطان است که این قلعه برای خوابگاه خود

در اوایل ماهه هشتم هجری ساخته و همان حصار است که حمدالله مستوفی در تزهت القلوب در ذیل شهر سلطانیه بان اشاره کرده گوید « در او (سلطانیه) قلعه ایست از سنگ تراشیده که خوابگاه الجایتو بوده و دور آن قلعه دو هزار گام بوده است »

گذشته از اینکه این تعریف کاملاً با وضع قلعه توافق دارد صاحب تزهت القلوب بالصراحه بذکر آن پرداخته است و بعلاوه وجود مقابر هم جوار قلعه ~~که~~ تمام دارای تاریخی بعد از دوره سلطنت سلطان محمد است دلیل بزرگی برای اثبات مدعی ماست ، چرا که چون بنای خوابگاه بعد از احداث مقابر و در جوار آنها ممکن نیست . و از طرفی هم بنای عمارات سلطانیه از سنه ۷۰۴ هجری شروع میشود پس بنای عمارت خوابگاه بین ۷۰۴ و تاریخ احداث مقابر یعنی بعد از سلطنت سلطان محمد خدا بنده محصور میشود و این دوره زمان سلطنت سلطان محمد و موقع ایجاد تمام ابنیه جنسوب باوست .

در جنب عمارت خوابگاه بمسافت کمی زمین بالنسبه

مقابر همجوار هموار زده تخته سنگهای چند سطح آنرا پوشانده
قلعه خوابگاه - است سنگ های مذکور که اغلب در درون زمین

فرو رفته سنگ های مخصوصی از جنس مرمرست

که دارای نقوش و نقوش هندسی بسیار عالی است که از هر حیث جالب توجه می باشند ولی متأسفانه این قسمت هم مثل عمارت خوابگاه تاکنون هیچ مورد بحث و تدقیق علمی قرار نگرفته است

علاوه بر این صورت ها که در انتها درجه از زیبایی و هنرنمایی

رسم شده بعضی آیات قرآنی و اشعار فارسی با رقم مخصوصی از نسخ نوشته که مخصوص قرن هشتم هجری است (۱) از این اشعار و آیات قرآنی که تمام دلالت به مرگ و رحلت از دنیا دارند بخوبی مستفاد میشود که سابقاً این جور صورت قبرستانی داشته و این سنگ ها روی مقابر آن واقع بوده است

۱ - این رقم خط نسخ آمیخته بانث است که نظربوضع ترکیب حروف باخط نسخ دوره سلاجقه متفاوت بوده و همان شیوه و رقمی است که در روی تمام مسکوکات مغول در قرن هشتم دیده میشود